

خانواده و اعتیاد :

امروزه مصرف مواد مخدر یکی از عمده ترین مشکلات پیش روی جوامع بشری است . مسائل و مصائبی که مصرف مواد بر زندگی انسان ها وارد می کند ، هر روز عده بیشتری را در جهت تدوین نظریه و ارائه راهبردهای عملی برای از میان برداشتن و یا تخفیف این گونه اثرات ، به صف مبارزان با مواد سوق می دهد . عده ای دیگر نیز به خاطر ناکامی هایی که به دنبال تلاش های خود در زمینه درک این پدیده و شیوه های رفع آن تجربه کرده اند ، میدان را خالی کرده و در حوزه های دیگر مشغول شده اند . آنچه واضح است این که تا به حال پژوهشگران عوامل بسیاری را در ایجاد سوء مصرف مواد دخیل دانسته اند . این عوامل گستره ای از عوامل زیستی - وراثتی ، روانشناختی ، اجتماعی ، محیطی ، قانونی ، خانوادگی و ... را در بر می گیرد . می توان چنین پنداشت که در بحث اعتیاد ، مصرف بعضی از مواد دروازه ورود به مصرف مواد دیگر است بعنوان مثال : سیگار دروازه ورود به مصرف مواد مخدر قوی تر است، و یا حشیش دروازه ورود به مصرف کوکائین است.

اکنون زمان آن رسیده که به مشکل اعتیاد به طور جدی تر نظر افکنیم و به عنوان پدر ، مادر یا سرپرست فرزندان خود ، نقش خود را فعالانه ایفا کنیم . دیگر مجال درنگی نیست . امروزه نوبت آن رسیده تا در آموزش و پرورش عزیزان خود مجدانه تلاش کنیم ، فرزندانمان را جدی بگیریم و آنان را از خطرات در کمین نشسته ، مصون داریم . « آموزش مهارتهای زندگی » از سنین دبستانی می تواند بسیار مؤثر و کارآمد باشد. امروزه آموزش و افزایش سطح آگاهی فرزندان یک مساله ملی و بسیار پر اهمیت است . عدم دسترسی به دانش و اطلاعات کافی درباره مواد مخدر سبب گردیده تا نسل جوان در معرض خطر جدی قرار گیرد . هنوز هم بسیاری بعلت عدم مهارت « نه گفتن » بهترین سالهای زندگی خود را از دست می دهند .

سهل انگاری والدین در انتقال اطلاعات صحیح و « عدم آموزش مهارت های زندگی » به فرزندانمان ، مشکلات عدیده ای را در زندگی اجتماعی آنان به وجود آورده است . این در حالی است که بسیاری از والدین به درستی نمی دانند چگونه باید آموزش های لازم را به فرزندان خود بدهند . تجربیات نشان داده اند که عدم کار آمدی پدر و مادر می تواند منجر به پرورش فرزندان مبتلا و بیمار گردد . فرزند پروری وظیفه ای بسیار سنگین است و برای فرزند دار شدن باید شرایطی نظیر آمادگی جسمانی ، روانی، معنوی ، اقتصادی - اجتماعی و دانش لازم و امکانات مناسب داشت .

همه ما قویاً به این اصل معتقدیم که « پیشگیری بهتر از درمان است ». نتایج تحقیقات نشان می دهد که مصرف مواد مخدر در میان فرزندان خانواده های از هم گسیخته بیشتر است. یک فرد معتاد در خانواده می تواند فرزندان و همسر را نیز به مصرف مواد ترغیب نماید . پس به کارگیری راهکارهای پیشگیرانه بدون کمک و همکاری فعالانه والدین و خانواده غیر ممکن است. برای برخورد با مشکل مواد مخدر در جامعه باید دست در دست هم در قالب یک طرح ملی حرکت کرد و فرزندان که سرمایه های ارزشمند جامعه هستند را از گزند آسیب های اجتماعی - روانی حفظ کرد .

وظیفه ما چیست ؟

اگر فرزند یا یکی از اعضای خانواده ما دارای مشکل مصرف مواد مخدر است و مشکل را انکار می کنیم ، اگر مصرف مشروبات الکلی را در فرزندان خود نادیده می گیریم ، اگر بر واقعیت ها سر پوش می گذاریم و اگر تقصیر را بر گردن مشکلات اجتماعی ، زندگی مشقت بار و ... می اندازیم ، کاری نکرده ایم جز تسلیم و فرار ، زیرا حفظ سلامتی و تندرستی خود و خانواده ، مقدم بر هر چیز دیگر است و برای رسیدن به آن نباید از هیچ کوششی دریغ کرد .

والدین عزیز، مخفی کاری علاج کار نیست ، می بایست پدر و مادر با یکدیگر گفتگو و علاج کار کنند . فرزندان مصرف کننده یا معتاد با پرخاشگری ، زور و اعمال خشونت به پدر و مادر اجبار می کنند هر طوری شده مواد آنان را تهیه کنند . ترس از آبرو در محل زندگی ، آشنایان و نزد فامیل باعث تسلیم شدن والدین در برابر خواسته فرزندان معتاد می شود . به والدین تأکید می گردد که این کار درست نیست و نباید تسلیم خواسته نادرست آنان شد. می بایست بخش عمده مسئولیت و عواقب کار بر عهده خود معتاد باشد و خانواده نیز به منظور فراهم آوردن امکانات درمانی از هیچ کوششی ، فرو گذار نباشند. گاهاً دیده می شود که عشق به فرزندان و محبت به آنان مانع از اقدام درست جهت ترک فرزند معتاد می شود . با استفاده از خدمات مشاوره ای و روانشناختی می توان این عشق کاذب را به سمت بهبودی فرد معتاد سوق داد و از آن بهره برداری صحیح کرد. بهترین راه کمک به فرد معتاد معرفی او به کلینیک های تخصصی و استفاده از افراد متخصص و در کنار آن پشتیبانی و حمایت خانواده از فرد در حال ترک می باشد .

یکی از راه حل های نامناسب که گاهاً بعلت عدم آگاهی والدین اتخاذ میگردد ، ازدواج و گزینش همسر برای فرزند معتادشان می باشد. این دسته از والدین به اشتباه فکر می کنند که اگر فرزندشان ازدواج کند به اصطلاح سر به راه شده و یا بعلت نفوذ همسر ، دست از اعتیاد بر می دارند . اما تجربه نشان داده است که ازدواج راه حل مناسبی جهت ترک اعتیاد نمی باشد ، زیرا فرد معتاد برقراری روابط صحیح را بلد نیست و کسی که رابطه صحیح را بلد نباشد در ازدواج نه تنها موفق نخواهد بود بلکه همسر او نیز در معرض خطر خواهد بود .

نتایج تحقیقات نشان می دهد درصد بسیاری از زنان بعلت زندگی در کنار همسران معتادشان گرفتار اعتیاد می گردند . این زنان دو دسته اند: 1- یا خود همسران بعلت نزدیکی با یک فرد معتاد متقاضی مواد بوده اند ، 2- یا برای حفظ همسرشان خود نیز مصرف کننده شده اند . به دلایل فوق به والدین توصیه می شود که قبل از ازدواج دو اصل اساسی را هرگز فراموش نکند : 1- تحقیقات قبل از ازدواج 2- ضروری بودن آزمایش عدم اعتیاد .

چرا افراد معتاد پس از یکبار مصرف مواد دوباره آنها تجربه می کنند؟

در این که مصرف مواد با لذت همراه است ، شکی نیست و می تواند فرد را شاید با خود ایده آلتش نزدیک کند . با یک دوره « وام گیری » مصرف مواد شروع می شود که این دوره دیر یا زود به یک دوره « بهره دهی » تبدیل می شود . یعنی وامی که مواد می دهد « بهره خیلی سنگینی » خواهد داشت که فرد دیگر نه برای « لذت » بلکه از

روی « اجباری» که اعتیاد به مواد در او به وجود آورده است، به سمت آن گرایش پیدا می کند. بدلیل همین « اجبار» است که اعمال رفتارهای خشونت آمیز و بروز رفتارهای جنایی را در افراد معتاد به کرات دیده ایم. آنان در لحظه « نیاز به مواد» فقط به یک چیز فکر می کنند و آن « دسترسی به مواد» به هر شکلی که شده است.

نکاتی راجع به معتادین در حال ترک :

اولین کار برای کمک به یک معتاد داوطلب ترک ارجاع آن به « کلینیک ها تخصصی» می باشد و متعاقب آن « حمایت خانواده» از فرد معتاد است. معتاد در حال ترک باید فعالیتهای جایگزین داشته باشد. فعالیتهای باید به گونه ای انتخاب شوند که جایگزین شخصیت و روحیات فرد معتاد باشد، برای مثال فعالیت متناسب با هر فرد بستگی به شناخت صحیح روانشناس، مشاور و یا روانپزشک فرد معتاد دارد.

« بی کاری» و « حضور دوستان ناباب» در اطراف فرد می تواند از عوامل بروز اعتیاد باشد. پس می توان نتیجه گرفت که برای حمایت بیشتر و جلوگیری از بازگشت مجدد فرد در حال ترک دو عامل مهم را باید در نظر گرفت :
1- شغل یا فعالیت مناسب جهت امرار معاش 2- جلوگیری از دیدن و یا نزدیک شدن به چیزهایی که دوران اعتیاد را برای او تداعی می کند. مانند : مکان ها و دوستان دوران اعتیاد فرد.

یک اصل مهم را هرگز فراموش نکنیم : اگر فرد معتاد « قاطعانه» تصمیم به ترک نگیرد وادار کردن او به ترک هیچ تأثیری نخواهد داشت و ترک « مقطعی» خواهد بود.